

دروازه‌هایی بر تاریخ شهر

گشتی در تبریز 2018



نادر شاه که توان مقابله با سپاهیان عثمانی را نداشت، تبریز ثبات و بقای خود را در امنیت و تجارت از دست داده و هر روز شاهد هجوم سوجدویان و متجاوزان بود. تبریز مرکز مهم سیاسی، نظامی و اقتصادی بود و این باعث می شد در طول تاریخ همواره مورد توجه دشمنان سوجدو قرار گیرد و این درحالی بود که مرکز تدافعی قوی نداشت و در مقابل حملات ضربه پذیر بود.

کریم خان زند که روی کار آمد اوضاع تبریز نیز تغییر کرد و ثبات نسبی در آن پدید آمد و احمد خان دنبلی در خوی و جفقلی خان بیگلر بیگی در تبریز امنیت برقرار ساختند و به عمران و آبادی شهر پرداختند و تبریز به صورت مرکز قدرتی در آمده و عمارات عالیه ای در نقاط مختلف آن بنا شد و حصارهای استوار بر گرد شهر کشید و هشت دروازه یا درب بر حصار تبریز نهاد و هر یک را جز «دروازهٔ اسلامبول» به اسم محله‌ای نامید که عبارتند از:

«درب خیابان»، راه عراق عجم (استان مرکزی) و اصفهان به سوی شرق،

«درب باغمیشه» که آن را درب اعلی می‌گفتند به سوی شمال شرق،

«درب شتریان» به سوی شمال،

«درب سرخاب» به سوی شمال شرقی،

«درب اسلامبول» به سوی شمال غربی،

«درب سرد» (سردرود) به سوی مغرب که آن را «درب گجیل» نیز می‌گویند،

«درب مهادمهین» به سوی جنوب غربی (قالاقاپیسی)،

«درب نویر» به سوی جنوب.

این دروازه‌ها؛ ورودی‌های شهر و محل رفت و آمد تاجران و افراد مختلف شد که از شهر همچون دزی محافظت می کردند تا نفوذ دشمنان به شهر را ناممکن کرده و امنیت را افزایش دهند.

در آن زمان شهربانی تبریز پشت تیمچه کره‌نی‌خانه (یکی از تیمچه‌های معروف بازار بزرگ تبریز) واقع شده بود و عصرها به هنگام اذان مغرب، دروازه‌ها با صدای کره نی که نوعی عمل اطلاع‌رسانی را انجام می‌داد بسته می‌شد و صبح‌ها به هنگام اذان صبح و باز با شنیدن صدای کره نی شروع به کار می‌کرد و تردد دوباره به داخل شهر آغاز می‌شد.

بر طرفین هر دروازه دو مناره بلند از کاشی بنا کرده و در برج‌های آن نیز کتیبه‌هایی از کاشی بود و بالای سر درب هر دروازه بر صفحه‌ای از سنگ رخام این اشعار نوشته شده بود که مصرع آخرین، ماده تاریخ اتمام دروازه‌هاست و آن ابیات این است:

زهی اساس مشید که باد تا به ابد

ز حادثات زمان در امان سبحانی

ز برج و باره این در تحیر است سپهر

که شد به پا ز عنایات خان خاقانی

خدایو ملک عدالت نجفقلی خان آنک

مفوض بر او رونق جهانبانی

که در نگارش این قلعه در زمان قلی

نمود همت وی معجز سلیمانی

نشان ز سد سکندر چو داد تاریخش

خرد به گفت حصار سکندر ثانی

پس از اتمام ساخت قلعهٔ شهر نجفقلی خان در گذشت و فرزندش خداداد خان از جانب احمدخان دنبلی به منصب بیگلربیگی دست یافت و خندق شهر را حفر کرد. از آن به بعد محوطهٔ داخل حصار را «قلعه تبریز» یا «قلعه» می‌گفتند.

از سال ۴۲۴ هجری قمری نزدیک به هزار سال پیش، شهر تبریز در داخل بارونی قرار گرفته بود و شهر همیشه حالت قلعه‌ای داشت و حتی عقیده مورخان چنین است که نام «توری» یا «تارونی» یا تبریز اولیه در زمان سارگن دوم پادشاه آشور در ۷۱۴ قبل از میلاد، به شهری اطلاق می‌شد که در داخل قلعه‌های تو در تو قرار داشت. اما این قلعه‌ها طی سالیان گذشته در اثر زلزله‌های مهیب تبریز ویران شد و تنها یک درب و نصفی از این برج و باروها باقی ماند که در سال ۹۱ از سوی شهرداری تبریز بار دیگر نمادهای دروازه‌های خیابان، گجیل، استانبول و نویر ساخته شد.



